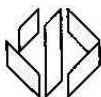


خنده و فلسفه

ریبوار سیویلی

ترجمه‌ی سامان سلیمانی

www.ketab.ir



نشریات

سرشناسه	: سیویلی، ریوار، ۱۹۶۹ - م.
عنوان قراردادی	: پیکه‌نین و فله‌سه‌فه. فارسی
عنوان و نام پدیدآور	: خنده و فلسفه [کتاب] / ریوار سیویلی؛ ترجمه‌ی سامان سلیمانی.
مشخصات نشر	: تهران: دات، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	: ۱۰۰ ص.
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۸۸۹۸-۵۸-۳
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا.	
موضوع	: خنده — فلسفه.
موضوع	: Laughter - Philosophy
شناسه افزوده	: سلیمانی، سامان، ۱۳۶۰ - ، مترجم.
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۸ ۹۳۰۴۱ س ۸۴ خ / ۵۷۵ BF.
رده‌بندی دیویی	: ۱۵۴ / ۴
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۵۸۰۱۳۹



خنده و فلسفه

نویسنده:	ریوار سیویلی
مترجم:	سامان سلیمانی
طرح جلد:	به‌د خورشیدی
نوبت چاپ:	اول ۱۳۹۸
شمارگان:	۵۰۰ نسخه

لیتوگرافی: پارسیان - چاپ و صحافی: فرشویه

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۸۹۸-۵۸-۳

تلفکس انتشارات: ۶۶۴۸۳۰۷۴

<http://www.dotbook.net>

Email: info@dotbook.net

(این کتاب با کاغذ حمایتی منتشر شده است)

کلیه حقوق نشر محفوظ است

قیمت: ۱۳۰۰۰ تومان

فهرست

۹.....	مقدمه‌ی مترجم
۱۷.....	خنده و فلسفه
۱۹.....	مقدمه
۲۵.....	پرسش‌ها
۴۹.....	خنده و زندگی
۵۱.....	خنده و اورتیسم
۵۳.....	خنده و سیاست
۵۹.....	خنده در کتاب استیغی
۷۳.....	خندیدن در مقام رهنمائی و آموزشی
۸۳.....	کُرد و خنده
۸۹.....	خنده و آزادی
۹۷.....	آینده‌ی خنده

مقدمه‌ی مترجم

لبخند نوعی علامت رفتاری خوشایند است و کسی که لبخند می‌زند برای زبان، نژاد و هر مرزبندی دیگری در حال ارسال این پیام است که ما باهم دوست هستیم».

بسیاری از ما کتاب *شازده کوچولو* اثر آنتوان دو سنت اگزوپری را خوانده‌ایم. این پری خلبان جنگی بود و با نازی‌ها جنگید و کشته شد. او تجربه‌های جیب‌آر خود را در مجموعه‌ای^۱ گردآوری کرد و در این مجموعه در یکی از خاطراتش می‌نویسد که او را اسیر کردند و به زندان انداختند. او که از این بارشونت‌آمیز نگهبان‌ها حدس زده بود که روز بعد، اعدامش خواهند کرد، می‌نویسد: «مطمئن بودم که مرا اعدام خواهند کرد، به همین دلیل به شدت نگران بودم. جیب‌هایم را گشتم تا شاید سیگاری پیدا کنم که از زیر دست آنهایی که حساسی لباس‌هایم را گشته بودند در رفته باشد. سیگاری پیدا کردم. ربا دست‌های لرزان آن را به لب‌هایم گذاشتم ولی کبریت نداشتم. از این زرده‌ها به زندانبانم نگاه کردم. او حتی نگاهی هم به من نینداخت، درست مانند یک مجسمه آنجا ایستاده بود. فریاد زدم: «هی رفیق! کبریت داری.» به من نگاه کرد و شانه‌هایش را بالا انداخت و به طرفم آمد. نزدیک‌تر که آمد، کبریتش را روشن کرد به اختیار نگاهش به من دوخته شد. لبخند زدم؛ نمی‌دانم چرا؟! انگار نوری فاصلهی میان دل‌های ما را پر کرد، می‌دانستم که او به هیچ وجه چنین چیزی را نمی‌خواهد. ولی گرمای لبخند من از میله‌ها گذشت

و به او رسید و روی لب‌های او هم لبخند شکفت. در چشم‌هایم نگاه کرد و لبخند زد، من حالا با علم به این که او نه یک نگهبان زندان که یک انسان است به او لبخند زدم، نگاه او حال و هوای دیگری پیدا کرده بود.

گفتم که می‌ترسم دیگر هرگز خانواده‌ام را نبینم، دیگر نبینم که بچه‌هایم چطور بزرگ می‌شوند. ناگهان بی‌آن که حرفی بزند، قفل سلول را باز کرد. مرا بیرون برد. مرا به بیرون از زندان و جاده‌ی پستی که به شهر منتهی می‌شد هدایت کرد.

بله، لبخند این برنامه‌ریزی، بدون حسابگری، لبخندی طبیعی، زیباترین پل ارتباطی میان آدم‌هاست، ما لایه‌هایی را برای حفاظت از خود می‌سازیم، لایه‌ی مدرج می و مدارک دانشگاهی، لایه‌ی موقعیت شغلی و این که دوست داریم ما را آن گونه ببینند که نیستیم.»

داستان اگزوپری داستار لحاظی جادویی پیوند میان دو انسان است. آدمی به هنگام عاشق شدن و نگاشتن به یک نوزاد این پیوند را احساس می‌کند. وقتی کودکی را می‌بینیم چرا لبخند می‌زنیم؟ چون انسان را پیش‌روی خود می‌بینیم که هیچ یک از لایه‌های او را که نام بردیم روی من طبیعی خود نکشیده و با همه‌ی وجود خود و بی هیچ شانه‌ای به ما لبخند می‌زند و آن روح کودکانی درون ماست که در رنج لبخند او پاسخ می‌دهد.

برخی از فلاسفه یونان باستان، انسان را «جانور خندان» می‌نامیدند. آن‌ها وجه تمایز انسان را از سایر جانوران، در توانایی خندیدن او خلاصه می‌کردند. در گذر تاریخ گاهی خنده نماد سبک‌سری و شیطنیت بود و گاهی سمبل توانایی و خرد و خوشبختی. اما فراتر از این، تغییراتی که در جسم و بدن انسان به واسطه‌ی خندیدن و لبخندزدن اتفاق می‌افتد شادمانی‌ای است که فعالیت جسم را تنظیم و ذهن را شفاف‌تر می‌کند.

با نگاهی به علم جانورشناسی، متوجه این نکته خواهیم شد که خنده هدیه‌ی خدایان با وجه تمایز بشر از جانوران نیست، بلکه رفتاری تکاملی

است که در میمون‌های عالی نیز دیده می‌شود. با نگاهی جامعه‌شناسانه نیز در خواهیم یافت که خنده در مقام کنشی اجتماعی، نقش مهمی در تنظیم ارتباطات اجتماعی ایفا می‌کند.

خنده را می‌توان از دیدگاه‌های متفاوتی بررسی کرد.

از منظر زیست‌شناسی خنده با شرایط لذت‌بخش و خوشایند مرتبط می‌شود و همچنین نوعی برانگیختگی هیجانی است که در شرایط امن و به دنبال شگفتی ناشی از برخورد با پدیده‌ای غیرمنتظره بروز می‌کند.

به هنگام خندیدن، عضلات صورت، گردن، سینه و شکم و حتی عضلات پاها فعال می‌شوند و در خنده‌های شدید غدد اشکی نیز تحریک می‌شوند.

از منظر روانشناختی، خنده نوعی نمود رهایی از تنش روانی و ناشی از عملکرد ترکیبی / کن‌گامی نیمکره‌ی راست است.

هربرت اسپنسر در مقاله‌ی «فیزیولوژی خنده»¹ در اواسط قرن نوزدهم بروز خنده در اثر شنیدن یک شوخی را به تخلیه‌ی انرژی اضافی روانی در فرد مربوط دانست. آرای اسپنسر بر رویین هم اثرگذار بود. داروین اصلی را تحت عنوان «اصل کنش و تنظیم سیستم عصبی» معرفی کرد که بر مبنای آن هیجانات روانی به صورت انرژی اضافی در دستگاه عصبی نمود می‌یابند و می‌بایست به شکلی تخلیه شوند. فروید نیز همین مسیر را ادامه داد. او خنده را تخلیه‌ی باری روانی دانست که ریشه در هیجانات و تنش‌های روانی دارد و به شکلی ناخودآگاه برای کاهش این تعارض درونی ناشی از این انرژی اضافی بروز می‌کند. خلاصه نظریه فروید چنین بود: خنده عبارت است از نوعی رهایی و پالایش انرژی ناشی از سرکوب غریزه‌ی جنسی یا غریزه‌ی تهاجمی.

از منظر فیزیولوژیک نیز می‌توان به فواید خنده چنین اشاره کرد:

1. Herbert Spencer. The physiology of laughter. Published 1860 by Macmillan in S.I.

افزایش سطح انرژی عمومی بدن، کاهش استرس و تنش روانی، کاهش درد با افزایش تولید اندورفین، بهبود عملکرد مغز، بهبود عملکرد دستگاه گوارش، تقویت توان یادگیری، کاهش هورمون‌های استرس‌زا، بهبود جریان خون و افزایش اکسیژن‌رسانی به بافت‌های بدن، تسریع در بهبود زخم‌ها، تخلیه‌ی احساسات منفی و...

متنخه بصلان قلب و عروق خنده را برای کسانی که دچار حمله‌ی قلبی شده‌اند مفید می‌دانند: خوش‌رویی و خنده در روز در کسانی که دچار حمله‌ی قلبی شده‌اند احتمال حمله‌ی مجدد را تا میزان قابل توجهی کاهش می‌دهد. و بی‌نیاز به درمان آنها را از بین خواهد برد.

از دید جامعه‌شناسی - روانی - فرهنگی کنش ارتباطی دوستانه است و بر اساس میزان صمیمیت افراد - ریزش، اشکال گوناگون پیدا می‌کند. گاهی شیوه‌ای غیرمستقیم برای اشاره به تنش‌های بین‌افردی است و با نمادین کردن کشمکش اجتماعی، اثرات آکنده‌اش را برای نظم اجتماعی کاهش می‌دهد و گاهی با اشاره به تابوهای اجتماعی، شیوه‌ای برای خنثی‌سازی مفاهیم تنش‌زاست.

ثابت شده که احتمال خندیدن یک انسان زمانی که در میان گروهی از افراد دیگر باشد حدوداً سی برابر موقعی است که تنه باشد. همچنین اگر کسی بوی خوبی را حس کند و تنها باشد، لبخند نمی‌زند اما اگر در جمع باشد لبخند می‌زند.^۱

خنده، آشوبی در کنش متقابل هنجارین میان اعضای یک جامعه است، که واگیر و بازتولیدشونده است. آنان که در این پروسه شرکت می‌کنند، در سطحی عمیق‌تر از نمادهای زبانی و قراردادی، با هم پیوند می‌یابند.

برگسون در کتاب "خنده" می‌گوید که همه‌ی خنده‌ها مانند اعضای یک لژ مخفی فراماسون، باهم خویشاوندی درونی دارند. از نگاه او، گرایشی اجتماعی برای محدود کردن رفتار افراد در قالب کنش‌هایی مکانیکی و از پیش تعیین‌شده وجود دارد و خنده چیزی نیست جز تزریق مداوم نیروی زندگی به این افراد مکانیکی‌شده و شکستن پوسته‌ی آن محدودیت‌های مکانیکی.

حتی در یک رابطه‌ی عاطفی نیز اگر خنده وجود داشته باشد، می‌توان نتیجه گرفت که آن رابطه، سالم است. زمانی که خنده و شادی متوقف شود، ارتباط به لبه‌ی پرتگاه نزدیک خواهد شد. البته نباید از یاد برد که شیخ طوسی قائم نیست و یک امر کاملاً اکتسابی است.

و عبیت نیز است که جامعه‌ی ما از «بحران خنده» به شدت رنج می‌برد. خیال‌ها حتی بادشان نمی‌آید آخرین بار کی از ته دل خندیده‌اند. کافی است در سیاهان به چهره‌ی افراد نگاه کنید تا ببینید چقدر اخم‌ها در هم است و کمتر چهره‌ای ببینید که بشاش به نظر برسد.

خلاصه‌ی تمام پژوهش‌ها در این حوزه این است: فردی که بیشتر می‌خندد روح و روان سالم‌تری دارد و اجتماعی که در آن افراد شادترند، اجتماع سالم‌تری است. اما متأسفانه در جامعه‌ی ما به اندازه‌ای که در حوزه‌ی ادبیات به این مقوله پرداخته شده، در حوزه‌ی دیگر زندگی فردی و اجتماعی به اهمیت خنده و خندیدن پرداخته‌ایم. همچنان که گفتیم، خندیدن امری اکتسابی است، پس نیازمند آموزش و تدریس در راه گسترش آن هستیم. جامعه‌ی ما نیز نیازمند این تلاش است. می‌تواند با حوزه‌های مختلف زندگی ارتباطی تنگاتنگ داشته باشد و به شکوفایی و رشد زندگی فردی و اجتماعی ما کمک کند. در این راستا کتاب پیش‌رو می‌تواند مفید واقع شود. ریواری سیویلی که از اساتید فلسفه است، در

بخش اول کتاب به بررسی آرا و نظرات فلاسفه در این حوزه پرداخته و مفید و مختصر آرای آنان را عرضه کرده است. اما در بخش دوم از دید فیلسوفی که شناختی عمیق از جامعه و حوزه‌های مختلف زندگی اجتماعی دارد، ارتباط خنده و حوزه‌های مهم زندگی روزمره را مطرح کرده که می‌تواند هر کدام از ما را به تعمق و تأمل بیشتر در این حوزه ترغیب کند. در آنجا که ریوار در این کتاب به بررسی این مقوله از دیدگاهی فلسفی پرداخته، در این مقدمه تلاش کردم لایه‌های دیگری از اهمیت خنده را برای خواننده بیان کنم.

در آماده‌سازی ترجمه‌ی این اثر دوستان گرانقدرم، آقای محمد صدیق سرداری و سرکار خانم فرشته حبیبی زحمات فراوانی متقبل شدند که صمیمانه از آنها سپاسگزارم. آنها دارد مراتب سپاسگزاری خود را نثار جناب آقای سعید اردهانر، مدیر نشر دات کنم که با کمک‌ها و همکاری‌های ایشان بود که این اثر را به بیگرم به چاپ رسیدند.

والتر بنیامین می‌گوید: «شکافتن و به پیش رفتن با تبر تیزشده‌ی عقل، بدون نگاه کردن به چپ و راست برای بهر از وادادن به دهشتی که سوسوزنان از ژرفای جنگل‌های ماقبل تاریخ، را به خود می‌خواند»^۱. زندگی مدرن هم‌نشین ترس و اضطراب و برتری است. برخی مدرنیست‌ها همچون بنیامین این اقبال را داشته‌اند که از طریق امپراتوری به عقل جسارت مواجهه با جنگل زندگی را داشته باشند. با این حال به نظر هر لحظه در وضعیتی فرومی‌رویم که در آن یارای نگاه کردن به عمق دره را نداریم و از فرط پلشتی‌ها، باید خوشی‌ها و لحظات مسرت‌بخش را به مدد بطلبیم.

چند نهان داری آن خنده را

آن مه تابنده فرخنده را
بنده کند روی تو صد شاه را
شاه کند خنده تو بنده را
خنده بیاموز گل سرخ را
جلوه کن آن دولت پاینده را

تهران

دی ماه ۱۳۹۴

www.ketab.ir